



اخراج کارگران داروگر و روغن جهان با وجود تکذیب‌ها
مدیر عامل: اخراج نشدن
فقط حقوقشون قطع شده!



روزنامه دولتی: چرا در غرب کارناوال ثبت نام بر پانمی شود؟
تا دهانت بازه، دلیل تبلیغ برای یک نفر
با بودجه دولت را هم پیرس!



دبیر صفحه:
مسعود دانش منش

روزنامه‌چهار اخبار ولایات محروسه وسط آباد
نمره سی و نهم / اردیبهشت ۱۳۹۶

امریکا «مادر بمب‌ها» را در افغانستان منفجر کرد

پدر بمب‌ها: بیکاری فشار آورد دچار اختلاف شدیم

مثلث عشقی - موشکی: پای یک خمپاره در میان است

«خواهر شوهر بمب‌ها: جز جیگر بزنی!
به جای این کارها بشین تو خونه به بچه‌ها ت برس! حیف آقا داداشم

در افغانستان رخ داد.

● مادر بمب‌ها: ناو شاسی بلند که نخواستیم

خواهر شوهر بمب‌ها درباره آخرین تماس با مادر بمب‌ها توضیح داد: حرف زیادی بین ما رد و بدل نشد، من بهش گفتم چرا اینقدر آقا داداشم را زجر می‌دهی؟ بد کاری کردیم پسر دسته گلمان را تحویل دادیم؟ همین دختر خاله خودم، یک خمپاره ۶۰ زمین به زمین بود یعنی پنجه آفتاب، خیلی سر به زیر و افتاده بود. آقا داداشم هم راضی بود اما سر و کله تو سلیطه که پیدا شد زیر پایش نشست و کاری کردی که بالا بالاها ببرد و لسی آخرش به خاک سیاه نشست!

اما مادر بمب‌ها بر گشت به من گفت: آتیش پاره! اینقدر توی زندگی ما آتیش نسوزان، خطرناک است! من که چیزی از داداشم نمی‌خواهم، برو ببین تسلیحات دیگر چه کارهایی برای زن‌هاشان می‌کنند! همه دوست‌هام برای خودشان پایگاه نظامی دارند، خیلی بایشان ویلای تفریحی توی جزایر خلیج فارس دارند، بعضی‌ها شوهرشان یک ناو هواپیمابر شاسی بلند انداخته زیر پایشان یکسره در حال خرید و گشت و گذار هستند! آن وقت من بی‌ناو دماغم را حق ندارم عمل کنم؟

● بمبی که معناد شد

تحقیقات خبرنگار ما حاکی از آن است که مادر بمب‌ها در نهایت گفته است که می‌خواهد خودش برود سر کار و پول عمل دماغ را تهیه کند. در همین راستا خودش را در افغانستان پرتاب کرد تا بعد از ۱۴ سال خانه‌نشینی بالاخره منفجر شود. گزارش‌ها حاکی است هم اکنون پدر بمب‌ها بسپار ناراحت و غمگین است و دچار افسردگی شده تا جایی که به اعتیاد و مصرف فیتیله سوخته روی آورده است! تا این لحظه از سر نوشت بقیه اعضای خانواده بمب‌ها خبری در دست نیست.

خبر آمد که امریکا چندین تن انواع مवाद منفجره را به هم وصل کرده و اسمش را گذاشته «مادر همه بمب‌ها». البته چندین سال پیش این بمب بر گبار را اختراع کرده بودند و لسی حالا افتخار اولین استفاده‌اش نصیب خاک افغانستان شد. همان موقع‌ها که «مادر همه بمب‌ها» به جهان معرفی شد، اولین خواستگارش را پیدا کرد. روس‌ها یک چیز گنده‌تر درست کردند به نام «پدر همه بمب‌ها» و ما را که خیال می‌کردیم چشم و هم چشمی فقط در مسائل خانوادگی خودمان وجود دارد، شگفت‌زده کردند. آنجا بود که فهمیدیم از این به بعد به تعدادی کارشناس مسائل چشم و هم چشمی یا به تعبیر بهتر «کارشناس مسائل خاله‌زنکی بین الملل» نیاز داریم تا این جور تحولات را برپیمان تحلیل کنند.

● زن داداش بمب‌ها: اختلاف سر عمل دماغ بود

از برخی منابع خبر رسید که مادر بمب‌ها در اثر بگو مگو با پدر بمب‌ها بر سر پاره‌ای از مسائل، با حالت قهر از خانه بیرون می‌زند. از طرف دیگر خواهر شوهر بمب‌ها که دل خوشی از این عروس افتاده‌ای نداشته با وی تماس می‌گیرد و در این تماس باز هم با هم حرفشان می‌شود.

زن داداش بمب‌ها در این رابطه به خبرگزاری «غیبت‌نیوز» گفت: دعوای پدر و مادر بمب‌ها از وقتی شروع شد که یکی از آشنایان دورمان عمل زیبایی دماغ کرد. بعد از آن مادر بمب‌ها پایش را در یک کفش کرد که باید من هم دماغم را عمل کنم. اما پدر بمب‌ها می‌گفت پولم کجا بود؟ مگر نمی‌بینی که در این دوره و زمانه دیگر بمب‌های گنده مثل من به کار نمی‌آید؟ مادر بمب‌ها هم می‌گفت حیف من که به خواستگار قبلی‌ام که یک موشک کروژ بود جواب رد دادم و زن تو شدم! موشک‌های کروژ الان خیلی روی بورس هستند و امریکا ۷۰ تا ۷۰ تا آن‌ها را روی مردم می‌ریزد. این بحث‌ها ادامه داشت تا چند روز پیش که مادر بمب‌ها قهر کرد و رفت. بعد هم آن تماس مشکوک با خواهر شوهر و سپس انفجار

سیف: مردم کالا‌های گران را می‌خرند

تقصیر مردم است که رشد اقتصادی را حس نمی‌کنند!

رئیس کل بانک مرکزی در توضیح اینکه چرا مردم رشد اقتصادی را که دولت می‌گوید حس نمی‌کنند گفت: چون کالا‌هایی که مردم خریداری می‌کنند، احتمالاً نرخ تورم بیشتری از میانگین تورم کشور دارند!



کالا‌هایی که نرخشان افزایش زیادی نداشته، در اختیار دارد که بر اساس آن لیست، نرخ تورم را محاسبه و اعلام می‌کند. مردم اگر می‌خواهند از مواهب کاهش تورم و رشد اقتصادی بهره‌مند شوند، ناگزیرند که کالا‌هایشان را از لیست دولت انتخاب کنند.

حالا اگر بعضی کالا‌ها که خارج از لیست مذکور هستند، با افزایش قیمت مواجه شوند، دولت مسئول نیست. در این وضعیت مقصر یا خود آن کالا است که می‌بایست قبلاً می‌آمد در لیست دولت ثبت‌نام می‌کرده تا دولت آن را مورد کنترل قیمت قرار دهد یا اینکه مقصر مردمی هستند که می‌روند آن کالا را انتخاب می‌کنند. وقتی کالای خارج از لیست دولت را انتخاب می‌کنی، چشمت کور، دندت نرم، تبعاش را هم تحمل کن که همانا احساس نکردن رشد اقتصادی است!

خلاصه اینکه: مردم عزیز! اگر می‌خواهید حس‌تان بر گردد سر جایش، در انتخاب خود دقت کنید. زیرا حس فروخته شده پس گرفته نمی‌شود!

خب خدا را شکر که مقصر حس نشدن آثار رشد اقتصادی را هم شناختیم رفت بی‌کارش. هم‌ا‌ش نگران بودیم که نکنند مردم نفهمند چرا رشد اقتصادی را احساس نمی‌کنند. خود ما که از اول می‌دانستیم یک چیزی هست اما حسش نمی‌کردیم. مثل وقت‌هایی که یک حرفی را می‌خواهید بزنید اما آن را یادتان می‌رود! می‌دانید یک چیزی برای گفتن دارید اما نمی‌دانید آن را کجا گذاشته‌اید. یا مثل مواقعی که اول صبح جوابتان را پیدا نمی‌کنید در حالیکه مطمئن هستید دیشب با جواب به خانه برگشته‌اید!

خلاصه ما هم مطمئن بودیم که دولت از اول پابره‌ن نبود و اطمینان داشتیم که یک حرفی برای گفتن دارند، اما موقتاً گم شده است. حالا خوشحالیم که پیدا شد و جناب آقای سیف همه را از ابهام و پا در هوا بودن درآوردند. الان دیگر خوب می‌دانیم که چرا و چگونه رشد اقتصادی را که دولت اصرار دارد هست، حس نمی‌کنیم. حتی حالا می‌توانیم آن را با رسم شکل توضیح دهیم!

منظور جناب سیف این است که دولت یک لیست از

حسین مرعشی: کاندیدا توری جهانگیری آخرین خواسته هاشمی بود محمد هاشمی: حضور من نظر جمعی خانواده بود به توصیه پرا در مرحوم ثبت‌نام کردم

رقابت «نظر خانواده» با «توصیه مرحوم»!

اگر دو کلاس «خاطره‌گویی» و «نقل قول» پیش آن مرحوم گذرانده بودید الان دچار اختلاف خاطراتی نمی‌شدید! توصیه اخلاقی: برای دیگران خاطره بسازید تا برایتان خاطره نسازند!



کواکبیان: با ۵۰ برنامه نامزد انتخابات ریاست جمهوری می‌شوم

از جمله یاد صبا، جارو برقی تلگرام، دیوار، فالوور یاب، بدنسازی در خانه و ... چند تا گیم جدید هم دارم!

یک نماینده: ۳ کشتی بنزنی گم شده است

دعوا سر لحاف ملا است!

حاجی‌دلیگانی، نماینده مجلس: در آمار گیری سال ۹۵ وقتی میزان موجودی بنزین محاسبه و میزان تولید داخل، واردات و مصرف را بررسی کردند مشاهده شد که ۳ کشتی بنزین گم شده است!

از فردا بحث توی روزنامه‌ها شروع میشه که دکل بزرگتر بوده یا کشتی! آخرش هم توی این شلوغی تا می‌ایم بفهمیم چه کسی بیشتر دزدی کرده و چه کسی کمتر، یکی جیمیان را می‌زند و در می‌رود!

مقام مسئول: بنزنی‌ها کجاست؟

متهم: بنزینه دیگه، می‌پره می‌ره!

شنیده بودیم اگر در بنزین باز باشه می‌پره، اما نمی‌دانستیم می‌پره کجا میره. تا اینکه معلوم شد می‌پره میره تو جیب بعضی‌ها! ولی خودمانیم، حالا در بنزین باز بوده، حیاتی گریه کجا رفته؟!

اساس کشی!

- دولت: کالا‌های اساسی گران نمی‌شود.
- قیمت لبنیات در روزهای گذشته روند صعودی گرفت.
- دو حالت بیشتر ندارد: یا خبر گرانی بی‌اساس است، یا لبنیات اساسی نیست!
- مرغ کیلویی ۸۲۰۰ تومان
- گرانی مرغ کلاً اساس همه چی را زد نابود کرد. به این میگن اساس کشی که در نهایت منجر میشه به اثاث کشی!

● رادیو داشت اخبار ثبت‌نام نامزدهای انتخابات رو می‌گفت، راننده تاکسی گفت: می‌خوام به اعتراضی بکنم، این دیگه کار خودشن نیست، کار خودمونه!

● اما خودمانیم، با وجودی که این همه آدم عجیب و غریب برای ریاست جمهوری ثبت‌نام کردند، ولی هیچکدامشان آنقدر «کم عقل» نبود که وعده صرورزه بدهد!

● فردی با حضور در وزارت کشور می‌گوید: ثبت‌نام ریاست جمهوری طبق قانون شرایط سنی ندارد به همین دلیل آمده تا دختر خردسالش را در انتخابات ثبت‌نام کند!

- فکر کنم موهونه که از پاسخ در می‌ماند، اومده دنبال پاسخ!

درواکنش به کشتار کودکان سوری و یمنی

دیدبان حقوق بشر: دوربینم شکسته بود

پاسبخش: ولی من خودم دیدم، بالای برجک خواش برده بود!

می‌بینیم و گزارش می‌کنیم. البته فعلاً دوربینم شکسته است و تا رسیدن دوربین جدید چشمم جایی را نمی‌بیند. وی از پاسخ به سؤالات دیگر خبرنگاران امتناع کرد و گفت: ببخشید باید بروم، وقت چشم‌پزشکی دارم!

اما منابع موثق از قول پاسبخش دیدبان‌ها گفتند: دیدبان سر پست خواش برده است. پاسبخش اظهار کرد من خودم دیدبان‌ها را سر پست تقسیم کردم، اما وقتی برای سرکشی مراجعه کردم دیدبان حقوق بشر بالای برجک مراقبت خوابیده و خروپف می‌کند!

بر همین اساس به نظر می‌رسد دیدبان‌ها آنچه را که در گزارشش آورده در خواب دیده است!

دیدبان حقوق بشر سازمان ملل منفعل (!) درباره کشتار زنان و کودکان در یمن و سوریه گفت: درست است من دیدبانم ولی اهل دید زدن نیستم. وی در پاسخ به این سؤال که شما چه جور دیدبانی هستید که این همه جنایت روی زن و بچه را نمی‌بینید، گفت: من اصولاً آدم چشم‌چرانی نیستم و هر جا خانم‌ها باشند چشمم را درویش می‌کنم.

وی در جواب خبرنگار که پرسید: «ولی خیلی‌ها آنجا کشته شدند، شما چطور ندیدید؟» گفت: به نظر من زیاد هم نمرده بودند گفتند: ساکت شو! اعصاب نداریم.

دیدبان حقوق بشر ادامه داد: ما استانداردهای حرفه‌ای خودمان را برای کار داریم و طبق دستورالعمل‌ها فقط موارد مجاز را

ماجرای موگرینی و پرچم لاک‌پشت‌ها

سوریه به‌گیرند قبول می‌کند. «خب بالاخره همه راه‌ها را آزمایش کردند و نشد، حالا رسیدند به اصل موضوع! درست است که مسائل در سوریه خیلی کند و کشتار پیش می‌رود و انگار جنگ خیال به سر آمدن ندارد، اما جای شکرش باقیست که بالاخره خانم موگرینی حرف دلش را زد و راحت شد! اما آیا این حرف یعنی اروپایی‌ها برمی‌گردند سر خانه اول؟!

● ● ●

لاک‌پشت‌ها مدتی همانجا نشستند و غصه خوردند، اما متوجه شدند که چاره‌ای ندارند جز اینکه برگردند و پرچم را بیاورند. اینطوری حداقل زحمتشان بی‌فایده نمی‌شد. با ناراحتی و عصبانیت راه افتادند. کمی که راه آمدند، همان لاک‌پشت گفت: ببخشید، یک چیزی بگم؟ لاک‌پشت‌ها که حسابی دمغ بودند گفتند: ساکت شو! اعصاب نداریم.

به خانه که رسیدند هر چه گشتند پرچم را پیدا نکردند. در همان حال آن لاک‌پشت گفت: حالا میشه حرفمو بزنم؟ لاک‌پشت‌ها مات و مبهوت به او نگاه کردند. گفت: پرچم که اصلاً دست من نبود! پیش خودتون بود.

الان این لاک‌پشت‌ها
این پرچم
این موگرینی
این داش

یک روز چند تا لاک‌پشت تصمیم می‌گیرند از اروپا تا آسیا را پیاده طی کنند و به عنوان اولین گروه از لاک‌پشت‌ها که این همه راه پیاده‌روی کرده پرچمی را در مقصد نصب کنند. وقتی راه می‌افتند یکی از لاک‌پشت‌ها می‌گوید: یک چیزی بگم؟ بقیه لاک‌پشت‌ها که حواسشان به راه رفتنشان بود و تمرکز کرده بودند روی تقسیم انرژی، گفتند: حالا وقتش نیست.

در طول مسیر، چندین بار دیگر هم آن لاک‌پشت خواست چیزی بگوید اما بقیه گفتند حرف زن. بعد از مدت‌ها وقتی با زحمت زیاد به مقصد رسیدند، برای آخرین بار لاک‌پشت گفت: یک چیزی بگم؟ لاک‌پشت‌های دیگر که عصبی شده بودند داد زدند: خیلی خب، بگو! دیوانه‌مان کردی. لاک‌پشت گفت: پرچم را جا گذاشتم.

لاک‌پشت‌ها حسابی داغ کردند و فریاد زدند: چرا زودتر نگفتی؟! لاک‌پشت گفت: من که می‌خواستم بگم، خودتان نگذاشتید!

● ● ●

وقتی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا حرفی را که باید پنج شش سال پیش، در اول راه می‌زد، امروز می‌زند، یک دلیل بیشتر نمی‌تواند داشته باشد: حتماً لاک‌پشت‌های دیگر (!) ببخشید، کشورهای دیگر نگذاشتند حرف بزنند که این همه طولش داده است!

موگرینی گفت: «اتحادیه اروپا هر تصمیمی که مردم



- بر گه‌ها بالا

- آقا اجازه؟ هنوز تموم نکردیم...!